

چه شد که حسینی تنه‌اماند

مرتضی اهوز

را وادار به سکوت و برهم گذاشتن چشم روی خیلی از اهانت‌ها که کرده بود، می‌کرد. خطرناکتر از جبریه، فرقه مرجئه بود در این فرقه فقط اعتقاد قلبی اهمیت داشت یعنی هر کار که دلت می‌خواهد انجام بده، همین که اعتقاد داشته باشی بس است. یعنی با این مکتب بساط عمل به دستورات الهی که علاوه بر شعار باید در جامعه هم عینیت داشته باشد برچیده می‌شد.

در واقع با این مکتب هر کس به بهانه اینکه من اعتقاد به خدا دارم ولی دلم می‌خواهد این کار را انجام بدهم خلاف کار خود را توجیه می‌کرد. اینگونه روح امر به معروف و نهی از منکر هم در جامعه از بین می‌رود و به بهانه قرائت‌های مختلف از دین، هر کاری که بخواهند، می‌کنند به نام دین هم می‌گذارند.

البته امروز هم با همان مکتب‌ها با نام‌های دیگر رویه‌رو هستیم پلورالیزم، اومانیزم، لیبرالیسم. ایسم‌هایی که شکل پیشرفته مکاتبی چون مرجئه و جبریه هستند و باز هم در جهت حذف غیرت دینی و حساسیت مسلمانان نسبت به اصول اسلام، تلاش می‌کنند.

مؤلفه‌هایی که ذکر شد علاوه بر بی‌تفاوتی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر و تساهل و تسامح و سکوت و فریب خواص دست به دست هم دادند تا زمینه‌هایی پیش آید که انحراف در جامعه شکل گیرد، و بالاخره جامعه‌ای که حسین (علیه السلام) را در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیده بود، در کنار منبر، بر روی دوش پیامبر، حسینی که قهرمانه در کنار علی (علیه السلام) و برادرش حضور پرشوری داشت را به نام دفاع از خلیفه مسلمین یزید! به نام دفاع از اسلام، به اتهام اینکه اینان خارجی‌اند مظلومانه سربریدند.

کوتاه سخن، قیام امام حسین (علیه السلام) نفی زندگی نبود بلکه نفی ذلت بود و بلکه با بیدادگری، جانی

دنیا را از دست بدهند، آن وقت است که دینداران واقعی کم خواهند بود. همچنان که امام حسین در تمام سخنرانی‌ها در شب و روز عاشورا برای دوستان و دشمنان مطرح می‌کند که «و کونو من الدنیا علی حذر»، یعنی از دنیا حذر کنید. و این جمله جای تأمل دارد، تصور کنید چیزی به کشته شدن نمانده، قاعدتاً باید مهمترین حرف‌ها گفته شود، چه می‌گویند، و چه چیزی می‌شنویم اینکه از دنیا حذر کنیم.

اگر عشق به دنیا در دل انسان باشد جلوی او را می‌گیرد و موجب می‌شود انسان به صورت‌های مختلف رفتار دنیاپرستانه خود را توجیه کند.^(۳) منطق هم برایش بسازد، خود را عقل کل هم بداند و دم از عقلانیت هم بزند.

۳. حرام‌خوری

روز روز عاشورا است امام برای مردم سخنرانی می‌کنند:

«...حمد و سپاس خدایی که دنیا را دار فنا و زوال قرار داد، فریب خورده کسی است که دنیا او را فریب داده باشد و بدبخت کسی است که فریفته دنیا شود.»

اما این سخنان با تمام ملایمتی که دارد در آنها اثر نمی‌کند تا آنجا که امام می‌فرماید:

«الا الحرام من الدنیا انالوکم» آنچه باعث ایجاد چنین روحیه‌ای در شما شده که حاضر به ارتکاب بدترین گناهان شده‌اید چیزی نیست جز مال حرامی که به شما داده‌اند و «خسسیس عیش طمعتم فیهِ» علاوه بر این آرزو دارید که بعد از کشتن ما به رفاه برسید، اما هرگز به آن نخواهید رسید.^(۴)

۴. از بین رفتن غیرت دینی

مؤلفه دیگری که حائز اهمیت است افول غیرت دینی است همان‌طور که پیشتر اشاره شد معاویه جهت ساکت کردن مردم و توجیه کارهای ظالمانه خود از فرقه جبریه استفاده کرد، در واقع با القای اینکه قضا و قدر الهی اینگونه بوده مردم

مؤلفه‌های عبرت در عاشورا

اینکه چه عواملی در انحراف جامعه اسلامی مؤثر بوده است و به عبارت بهتر ارزش‌ها چگونه کناز زده شد؟ و در نهایت مردمی با قساوت تمام به خاطر عمل به تکلیف روی پسر رسول خدا شمشیر کشیدند و او را با فجیع‌ترین شکل ممکن به شهادت رساندند؟!

۱. بی‌تفاوتی نسبت به اهل بیت (خودی، غیر خودی)

وقتی امامت و رهبری از مرکز و محوریت خود دور شد و این امانت الهی در دست کسانی قرار گرفت که به هیچ وجه شایستگی آن را نداشته‌اند، زمینه‌های تحریف و گسسته شدن رشته‌های دین پدید خواهد آمد در واقع با انزوای اهل البیت و جلوگیری از کتابت و نش کلام نبوی زمینه‌های بروز بدعت‌ها، جعل حدیث مهیا می‌شود و این روند ارتجاعی به طرز وحشتناکی پیش می‌رود و ارزش‌های

الهی کمرنگ می‌شود و در نتیجه جامعه اسلامی با انحراف هم‌رنگ می‌شود.^(۱)

در واقع، معاویه با این سیاست یعنی مهجور کردن اهل البیت ارتباط وارثان علم نبی را با مردم قطع کرد و نتیجه این سیاست شوم از بین رفتن مرجعیت دینی و علمی و آگاه و قابل اعتماد بود.^(۲)

در نتیجه با کنارگذاشتن وصایای پیامبر، معنویت اسلام ناب در جامعه به واسطه روی کار آمدن خائنین لفاظ و فریبکار رنگ باخت و ارزش‌ها دگرگون شد.

۲. دنیاطلبی

مؤلفه دنیاطلبی به خصوص در مورد خواص باعث نفی ارزش‌ها اسلامی در جوامع می‌شود. مدعیان دینداری فراوانند، اما آنها زمانی بر این ادعای خود باقی هستند که دینشان به دنیایشان لطمه و صدمه‌ای وارد نکند، اما همین که امری بین دین و دنیایشان پیش آید و با گرفتن دین،

دوباره بر پیکر افسرده دین دمید و تا ابد جاودان ماند.

در جامعهای که به بهانه توسعه اسلامیت را زیر سؤال ببرند، در جامعه ای که با حربه تساهل و تسامح و مکاتبی چون پلورالیزم دینی، در صدد حذف غیرت دینی و از بین بردن روح امر به معروف و نهی از منکر باشند، در جامعهای که اهل بیت را مهجور کنند و سیل شبهات را به ساحت مقدس ایشان روا بدانند و حکومت و ولایت را بعد از رسول تمام شده بدانند، با سلاح تطمیع رام شوند و برخلاف شعار خود تهدید به خروج از حاکمیت کنند، تنها بازگشت به مؤلفه های عاشورا و درس گرفتن از عبرت های عاشورا می تواند سره را از ناسره جدا سازد.

آری این ثابت شده تاریخ و عبرتی برای فاسقان و گمراهان است زمانی که در جامعه ای درد دین به وجود آید خون از رگ های پاره پاره حسینی می جوشد و انعکاس این جوشش، خروش غیرتمندانه حزب الله است. حزبی که با انقلاب فاطمی، عدالت علوی، مصلحت حسینی و قیام حسینی ممزوج شده و با تاسی از این تجربه ها راه خود را پیدا کرده است و در این مسیر پرفراز و نشیب تاریخ، اعجاز را زمزمه می کند، معجزه های از جنس ایمان، شهادت و شهادت، و معجزه های از جنس عزت، قدرت و نور.

در دفتر: مجله مهر و دین می باشد.
..... پی نوشت: